

تأثیر بی‌نزاکتی خانوادگی بر ارتکاب قلدری سایبری با نقش میانجی عواطف منفی و روان رنجوری در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)

عباس قائدامینی هارونی*^۱ ❖ مریم صالحی فارسانی^۲ ❖ علی رضا جعفری فارسانی^۳ ❖ الهه
مشرف قهفرخی^۴ ❖ سمیه شاه بندری^۵

صفحه: ۲۷-۱

چکیده

هدف از پژوهش حاضر بررسی تأثیر بی‌نزاکتی خانوادگی بر ارتکاب قلدری سایبری از طریق عواطف منفی و روان رنجوری بود. پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر نحوه گردآوری اطلاعات توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش حاضر را کلیه دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان) به تعداد ۲۲۰۰۰ نفر تشکیل دادند که از طریق فرمول نمونه‌گیری کوکران تعداد ۳۸۴ نفر به عنوان نمونه از طریق روش نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب با حجم انتخاب شدند. ابزار پژوهش پرسش‌نامه بی‌نزاکتی خانوادگی لیم و تای (۲۰۱۴)، پرسش‌نامه ارتکاب قلدری سایبری کرتین و همکاران (۲۰۱۱)، پرسش‌نامه عواطف منفی گونگ و همکاران، (۲۰۱۰) و پرسش‌نامه روان رنجوری وانگ و همکاران (۲۰۱۱) بودند که روایی پرسش‌نامه‌ها بر اساس، روایی محتوایی، صوری و سازه مورد بررسی قرار گرفتند و پس از اصطلاحات لازم روایی مورد تأیید قرار گرفت و از سوی دیگر پایایی پرسش‌نامه‌ها با روش آلفای کرونباخ به ترتیب ۰/۹۰، ۰/۸۸، ۰/۸۸ و ۰/۸۸ برآورد شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها در دو سطح توصیفی و استنباطی مشتمل بر مدل‌سازی معادلات ساختاری انجام گرفت. نتایج پژوهش نشان داد که بی‌نزاکتی خانوادگی بر ارتکاب قلدری سایبری تأثیر مثبت دارد که ضریب این تأثیر ۰/۵۵ بود.

کلیدواژه‌ها: بی‌نزاکتی خانوادگی، ارتکاب قلدری سایبری، احساسات منفی، روان رنجوری

■ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۱۱/۰۵

■ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۶/۱۸

^۱- دکتر مدیریت فرهنگی، گروه مدیریت فرهنگی، دانشگاه جامع علمی کاربردی مرکز فارس، چهارمحال و بختیاری، ایران.

abbasgheadamini2020@gmail.com

^۲- دانشجوی کارشناسی مدیریت فرهنگی، گروه مدیریت فرهنگی، دانشگاه جامع علمی کاربردی مرکز فارس، چهارمحال و بختیاری، ایران

^۳- دانشجوی کارشناسی مدیریت فرهنگی، گروه مدیریت فرهنگی، دانشگاه جامع علمی کاربردی مرکز فارس، چهارمحال و بختیاری، ایران

^۴- مربی، گروه مدیریت فرهنگی، دانشگاه جامع علمی کاربردی، مرکز فرهنگی و هنری دریژنو، چهارمحال و بختیاری، ایران.

^۵- مربی، گروه مدیریت فرهنگی، دانشگاه جامع علمی کاربردی مرکز فارس، چهارمحال و بختیاری، ایران.

مقدمه

تعامل خانوادگی نقش مهمی در رشد عواطف اجتماعی و شناخت فردی ایفا می‌کند (Bronfenbrenner, 1986). اخیراً بی‌نزاکتی خانوادگی، شکل جدیدی از تعاملات منفی خانوادگی، توجه گسترده‌ای را به خود جلب کرده است. بی‌نزاکتی خانوادگی، رفتارهای بین فردی انحرافی با شدت کم است که احترام متقابل را در خانواده تضعیف می‌کند، مانند کنار گذاشتن اعضای خانواده از فعالیت‌های اجتماعی و تردید در قضاوت اعضای خانواده (Lim and Tai, 2014; Bai et al., 2016). این رفتارها به راحتی نادیده گرفته می‌شود زیرا شدت آن کم است و پیامد آن به اندازه خشونت یا خشونت خانوادگی نیست (Cortina and Magley, 2009). به این دلیل تعامل منفی خانوادگی به سختی مهار می‌شود و می‌تواند بارها و بارها به قربانیان تحمیل شود (Balet al., 2020). علاوه بر این، به دلیل ابهام در اهداف، قربانیان معمولاً آن را غیر عمدی، قابل تحمل و رضایتمند می‌دانند که منجر به وجود طولانی مدت آن در زندگی روزمره می‌شود (Sliter et al., 2011). پژوهش‌های قبلی ارتباط بین بی‌نزاکتی خانواده و عملکرد کاری بزرگسالان را بررسی کرده‌اند (Naeem et al., 2020; Ren et al., 2021). با این حال، کمتر در مورد تأثیر بی‌نزاکتی خانوادگی در مورد دانشجویان مطالعه شده است. مطالعه‌ای در چین (Balet al., 2020) نشان داد که بی‌نزاکتی خانوادگی با ارتکاب آزار و اذیت سایبری در میان دانش آموزان دبیرستانی چینی ارتباط مثبتی دارد. یک مطالعه تجربی نشان داد که بی‌نزاکتی خانوادگی تأثیر منفی بر مشارکت کاری دانشجویان دانشگاه در هند دارد (Gopalan et al., 2021). با این حال، پژوهش‌های اندکی در مورد تأثیر بی‌نزاکتی خانوادگی بر ارتکاب قلدری سایبری در بین دانشجویان انجام شده است. قلدری سایبری را آسیب عمدی و مکرر یک فرد یا گروهی از افراد به واسطه رایانه‌ها، تلفن‌های همراه و سایر وسایل الکترونیکی، تعریف می‌شود (Hinduja and Patchin, 2008; Campbell et al., 2013). قلدری سایبری شکل جدیدی از پرخاشگری است که با ناشناس بودن، پنهان کاری، انتشار زیاد، می‌تواند منجر به پیامدهای منفی مختلفی مانند اضطراب، افسردگی، و افکار خودکشی شود (Patchin and Hinduja, 2011; Kowalski et al., 2012). اخیراً، رونق اینترنت و رسانه‌های اجتماعی، قلدری سایبری را تشدید کرده است (Chu et al., 2021). در اوایل سال ۲۰۱۸، لی و همکارانش دریافتند که از هر سه بزرگسال چینی، یک نفر قلدری سایبری و از هر دو خردسال چینی یک نفر مزاحمت اینترنتی را تجربه کرده است (Li et al., 2018). با این حال، دانشجویان دانشگاه به عنوان شهروندان اصلی شبکه بیشتر از دانش آموزان دبیرستانی درگیر قلدری سایبری هستند. علاوه بر این، پژوهش‌های قبلی نشان داده‌اند که تعاملات خانوادگی به طور قابل توجهی با

رشد شناخت و رفتار دانشجویان دانشگاه مرتبط است (Wright et al., 2020; Smith and D'Aniello, 2021). تعاملات منفی خانوادگی با رفتارهای مشکل ساز دانشجویان دانشگاه ارتباط مثبت دارد (Fortesa and Ajete, 2014). برخلاف بی‌نزاکتی در محیط کار، پژوهش‌ها در مورد بی‌نزاکتی در خانه به‌طور جامع در ادبیات کار-خانواده مورد مطالعه قرار نگرفته است، به‌استثنای چند مورد که در زیر ذکر شده است (eg, Lin, Chang, Lee, and Johnson, 2020). تأثیر بی‌نزاکتی خانواده بر ارتکاب قلدری سایبری در بین دانشجویان، یک سازه مهم در حوزه کاری، نیز ناشناخته باقی مانده است. از این‌رو، پژوهش حاضر کمک بزرگی به حوزه خانواده و حوزه‌های دانشگاهی است، بنابراین، لازم است بررسی شود که چگونه بی‌نزاکتی خانوادگی بر ارتکاب قلدری سایبری دانشجویان دانشگاه به‌صورت نظری و تجربی تأثیر می‌گذارد تا از منظر نظریه ناکامی-پرخاشگری از شیوع قلدری سایبری جلوگیری شود. پژوهش حاضر از سه جنبه حائز اهمیت است. اولاً، اگرچه پژوهش‌های قبلی به تأثیر بی‌نزاکتی خانوادگی بر ارتکاب قلدری سایبری نوجوانان اختصاص داده شده است (Bai et al., 2020)، مشخص نیست که بی‌نزاکتی خانوادگی چگونه می‌تواند با ارتکاب زورگویی سایبری در دانشجویان مرتبط باشد. برای بررسی تأثیرات منفی بی‌اخلاقی خانواده بر دانشجویان، یک مدل میانجیگری تعدیل شده مبتنی بر نظریه سرخوردگی-پرخاشگری ایجاد شده که محور آن احساسات منفی است، درحالی‌که روان رنجورخویی رابطه بین بی‌اخلاقی خانواده و عواطف منفی و همچنین بین بی‌نزاکتی و ارتکاب قلدری سایبری خانواده نقش میانجی دارد. ثانیاً، یافته‌های تجربی با نشان دادن مکانیسمی که از طریق آن سرخوردگی‌هایی، مانند بی‌نزاکتی خانوادگی، با رفتارهای پرخاشگرانه، مانند ارتکاب قلدری سایبری همراه است، از نظریه سرخوردگی-پرخاشگری حمایت می‌کند و با مشاهده تعامل بین رفتارهای آنالین و آفلاین، نظریه موجود را گسترش می‌دهد. ثالثاً، پژوهش حاضر از طریق تعامل خانوادگی منفی مزمن و کم شدت، مکانیسم و مداخله قلدری سایبری در دانشگاه‌ها را روشن می‌کند.

ادبیات پژوهش

بررسی رابطه بی‌نزاکتی خانوادگی با ارتکاب قلدری سایبری دانشجویان

تئوری ناکامی-پرخاشگری بیان می‌کند که سرخوردگی می‌تواند بر تمایل به اقدامات پرخاشگرانه تأثیر بگذارد (برکویتز، ۱۹۸۸). افرادی که ناامیدی بیشتری را تجربه می‌کنند، احتمال بیشتری دارد که در آینده مرتکب پرخاشگری شوند. با این حال، پیش‌بینی مجازات می‌تواند بر انتخاب هدف آن‌ها تأثیر بگذارد، زیرا انتظار دارند از عواقب پرخاشگری خود فرار کنند و خود را از تحمل مجازات دور نگه‌دارند (برکویتز، ۱۹۸۹). در مواجهه با اقتدار والدین، افراد ناامید ممکن است از مبارزه دست بکشند درحالی‌که تمایل به انجام برخی از اشکال پنهان پرخاشگری

را دارند (بای و همکاران، ۲۰۲۰). اینترنت، فضای مجازی و ناشناس بودن را برای آن‌ها فراهم می‌کند تا احساسات منفی خود را رها کنند (پایان و واندبوش، ۲۰۱۴). جایی که آن‌ها بهتر می‌توانند بازنمایی خود از خود را اصلاح کنند (والکنبورگ و پیتز، ۲۰۱۱) و هویت واقعی خود را پنهان کنند، تا احتمال ارزیابی منفی یا حمله تلافی‌جویانه دیگران را کاهش دهند (بانه و همکاران، ۲۰۱۰). بی‌نزاکتی خانوادگی به‌عنوان یک سرخوردگی احتمالاً منجر به اعمال تهاجمی کمتر تنبیهی نیز می‌شود، مانند ارتکاب قلدری سایبری. بسیاری از پژوهش‌ها همچنین نشان داده‌اند که تعاملات منفی خانوادگی به‌طور قابل‌توجهی با ارتکاب قلدری سایبری مرتبط است (کم و املا، ۲۰۱۳؛ بارلت و رازیانه، ۲۰۱۶؛ لی و کانگ، ۲۰۱۹؛ رزماری-آبریو و همکاران، ۲۰۱۹). به‌زعم بارلت و رازیانه (۲۰۱۶) غفلت والدین با ارتکاب قلدری سایبری فردی ارتباط مثبتی دارد. یک مطالعه مقطعی (رومرو-آبریو و همکاران، ۲۰۱۹) همچنین نشان داد که تعامل مشکل‌ساز خانواده مستقیماً با اعمال پرخاشگرانه آنلاین در میان نوجوانان مرتبط است. مطالعه‌ای روی ۴۲۳ دانش‌آموز دبیرستانی کره‌ای نشان داد که سطوح بالای ارتکاب زورگویی سایبری به‌طور قابل‌توجهی با سطوح پایین کیفیت روابط والدین-نوجوان و سطوح بالای کنترل والدین مرتبط است (لی و کانگ، ۲۰۱۹). تحقیقات طولی همچنین نشان داد که سطح بالای نظارت والدین می‌تواند به‌طور قابل‌توجهی افزایش ارتکاب زورگویی سایبری را پس از یک سال و نیم پیش‌بینی کند (اسپلاژ و لاو، ۲۰۱۳). بر این اساس، می‌توان این فرضیه را مطرح کرد: بی‌نزاکتی خانوادگی بر ارتکاب قلدری سایبری در بین دانشجویان تأثیر دارد.

عواطف منفی به‌عنوان یک واسطه

عواطف منفی اساساً یک تجربه ذهنی از خلق ناخوشایند یا افسرده در هفته گذشته است، از جمله حالات هیجانی آزاردهنده مختلف، به‌عنوان مثال، افسردگی، اضطراب و ترس (واتسون و همکاران، ۱۹۸۸)، که ممکن است تمایل افراد به قلدری یا آسیب به خود را افزایش دهد (آگنیو، ۱۹۹۲). بنابراین، بی‌نزاکتی خانوادگی به‌عنوان یک رویداد استرس‌زا در زندگی ممکن است باعث ارتکاب قلدری سایبری در فرد شود و از طریق احساسات منفی نیز قصد او را برای انجام قلدری اینترنتی افزایش دهد. مطالعات تجربی نشان داد که افسردگی، اضطراب و استرس شایع‌ترین بیماری‌های روانی در بین دانشجویان دانشگاه در سراسر جهان هستند (اسمیت و همکاران، ۲۰۱۷؛ پائودل و همکاران، ۲۰۲۰). نظریه ناکامی-پرخاشگری (برکوویتز، ۱۹۸۹) استدلال می‌کند که رویدادهای استرس‌زا در زندگی افراد ابتدا احساسات منفی ایجاد می‌کنند و سپس آن‌ها را تحریک به پرخاشگری می‌کنند. بی‌نزاکتی خانوادگی به‌عنوان یک رویداد استرس‌زا در زندگی می‌تواند منجر به احساسات منفی شود. مطالعات قبلی نشان داده‌اند که بی‌نزاکتی خانوادگی به‌طور قابل‌توجهی مصرف عاطفی فردی (حسن و همکاران، ۲۰۱۹) و احساسات منفی را پیش‌بینی می‌کند (سرور و همکاران، ۲۰۱۹). یک مطالعه مقطعی نشان داد که بی‌نزاکتی خانوادگی، به‌عنوان یک رویداد استرس‌زای ظریف و مزمن می‌تواند منجر به پریشانی روانی در میان اعضای خانواده شود (لیم و تای، ۲۰۱۴). مطالعه‌ای روی ۳۰۳۰ دانش‌آموز دبیرستانی چینی نشان داد که بی‌توجهی، طرد شدن و سوءظن خانواده باعث می‌شود افراد نسبت به آینده احساس ناامیدی کنند (بای و همکاران، ۲۰۲۰). یک مطالعه طولی نشان داد که بی‌نزاکتی خانوادگی با تخلیه

منابع روان‌شناختی کارکنان و ایجاد استرس در آن‌ها، رضایت شغلی کارکنان را کاهش می‌دهد (ماریا و همکاران، ۲۰۲۱). علاوه بر این، بر کوویتز (۱۹۸۳) بر نقش احساسات منفی در فرآیند ناکامی - پرخاشگری تأکید کرد و استدلال کرد که احساسات منفی قدرت تحریک پرخاشگری ناشی از ناکامی را منعکس می‌کند. ناراحتی روانی یا افسردگی سایر خاطرات و احساسات منفی را فعال می‌کند و در نتیجه تمایل فردی به پرخاشگری را افزایش می‌دهد (بر کوویتز و هایمر، ۱۹۸۹). به عبارت دیگر، بی‌نزاکتی خانوادگی، ممکن است منجر به احساسات منفی فردی شود، که به نوبه خود باعث تحریک یا تقویت تمایلات پرخاشگرانه گردیده و فرد را وادار می‌کند برای کاهش یا رهایی از اثرات منفی تعاملات منفی مزمن خانوادگی، پرخاشگری بیشتر (مانند غفلت، تحقیر، طرد، پیدا تمایل پیدا کند. مطالعه‌ای طولی در میان کارمندان بانک در پاکستان همبستگی مثبت و معناداری را بین بی‌نزاکتی خانوادگی و رفتارهای کاری غیر مولد، با میانجیگری مستقیم پریشانی روانی، را نشان داد (حمید و همکاران، ۲۰۱۷). مطالعه طولی دیگری نشان داد که افسردگی و اضطراب ارتکاب قلدری اینترنتی را در طول زمان پیش‌بینی می‌کند (لورا و همکاران، ۲۰۲۰). مطالعه‌ی طولی شش ساله‌ای نشان داد که عوامل ذهنی منفی ارتکاب آزار سایبری را پیش‌بینی می‌کنند (تو و لیم، ۲۰۱۶). چندین مطالعه همچنین ارتباط معنی‌داری بین احساسات منفی و ارتکاب زورگویی سایبری را تأیید کرده‌اند (بالتا و همکاران، ۲۰۲۰؛ شوت و همکاران، ۲۰۲۱). بر این اساس، فرضیه زیر مطرح می‌شود:

رابطه مستقیم بین بی‌نزاکتی خانوادگی و ارتکاب زورگویی سایبری در بین دانشجویان را عواطف منفی واسطه‌گری می‌کند.

روان رنجوری به عنوان یک واسطه

شخصیت یک ویژگی فردی نسبتاً پایدار است که تأثیر بلندمدتی بر سبک رفتاری فردی دارد (بلک و همکاران، ۲۰۰۹). مدل پنج عاملی شخصیت معتقد است که شخصیت دارای پنج بعد اساسی است: برون‌گرایی، توافق‌پذیری، وظیفه‌شناسی، گشودگی و روان رنجوری (کوویستو و همکاران، ۲۰۲۱). ویژگی‌های شخصیتی بر نوع نگاه فرد و تعامل او با عوامل استرس‌زا محیطی تأثیرات متفاوتی دارند (بای و همکاران، ۲۰۲۰). روان رنجور خویی نشان‌دهنده تفاوت‌های فردی در تمایل به تجربه پریشانی (مک کری و کاستا، ۱۹۸۷) و پیامدهای منفی سلامت روان (انگلیم و همکاران، ۲۰۲۰) است، و به همین دلیل به طور گسترده در تحقیقات مرتبط با استرس مورد مطالعه بوده است (هیل و کمپ ویلر، ۱۹۸۶؛ مینکا و همکاران، ۲۰۲۰). افراد بسیار روان رنجور اغلب دارای سطوح بالایی از اضطراب، افسردگی، خشم، و احساس گناه، و تمایلات جسمانی تشدیدکننده مشکلات روانی هستند که منجر به تفاوت‌های شناختی و رفتاری در آنها می‌شود (کاستا و مک کری، ۱۹۹۲). کسانی که سطوح بالایی از روان رنجوری دارند، بیشتر احتمال دارد که رویدادهای استرس‌زا و منفی را در واقعیت تجربه کنند (میسلی و همکاران، ۲۰۲۱).

پژوهش‌های قبلی شخصیت را به عنوان میانجی در نظر گرفته‌اند که بر ارتباط بین رویدادهای استرس‌زا زندگی و احساسات منفی تأثیر می‌گذارد. یک مطالعه مقطعی نشان داد که افراد بسیار روان رنجور در مواجهه با رویدادهای استرس‌زای زندگی در برابر افسردگی آسیب‌پذیرتر هستند (رابرتز و کندلر، ۱۹۹۹). مطالعه

موردی نشان داد که افراد دارای سطوح بالای روان رنجوری نسبت به محیط خارجی آسیب پذیرتر، در محبت ناپایدار و نسبت به محرک‌های مختلف حساس هستند، که آن‌ها را بیشتر مستعد افسردگی و اضطراب می‌کند (جوهان و همکاران، ۲۰۰۲). یک مطالعه فراتحلیل با توجه به الگوی پنج عامل بزرگ شخصیت نشان داد که افراد بسیار روان رنجور تمایل ضعیفی به سازگاری دارند و مستعد حالات عاطفی منفی از جمله عصبی بودن، اضطراب، بدخلقی و نگرانی هستند (جاج و همکاران، ۲۰۰۲). یک مطالعه طولی یک‌ساله نشان داد که افراد بسیار روان رنجور بیشتر احتمال دارد که دارای افکار خودآیند منفی باشند، درعین حال از برخی ناامیدی‌ها یا شکست‌ها نیز رنج می‌برند که منجر به عواطف منفی آن‌ها می‌شود (امی و همکاران، ۲۰۰۹). یک مطالعه طولی دوساله دیگر نشان داد که افراد بسیار روان رنجور به دلیل رویدادهای استرس‌زای زندگی، احتمال بیشتری دارد که سطوح بالایی از علائم افسردگی داشته باشند (لویی و همکاران، ۲۰۱۴). همان‌طور که در بالا ذکر شد، بی‌نزاکتی خانوادگی یک رویداد استرس‌زای مزمن و نامحسوس اما تأثیرگذار در زندگی است. بنابراین، روان رنجورها در سطح بالایی نسبت به تعاملات منفی خانوادگی مانند بی‌توجهی، طرد شدن و تحقیر اعضای خانواده حساس‌تر به نظر می‌رسند و در نتیجه عواطف منفی بیشتری ایجاد می‌کنند. بر این اساس، فرضیه زیر مطرح می‌شود:

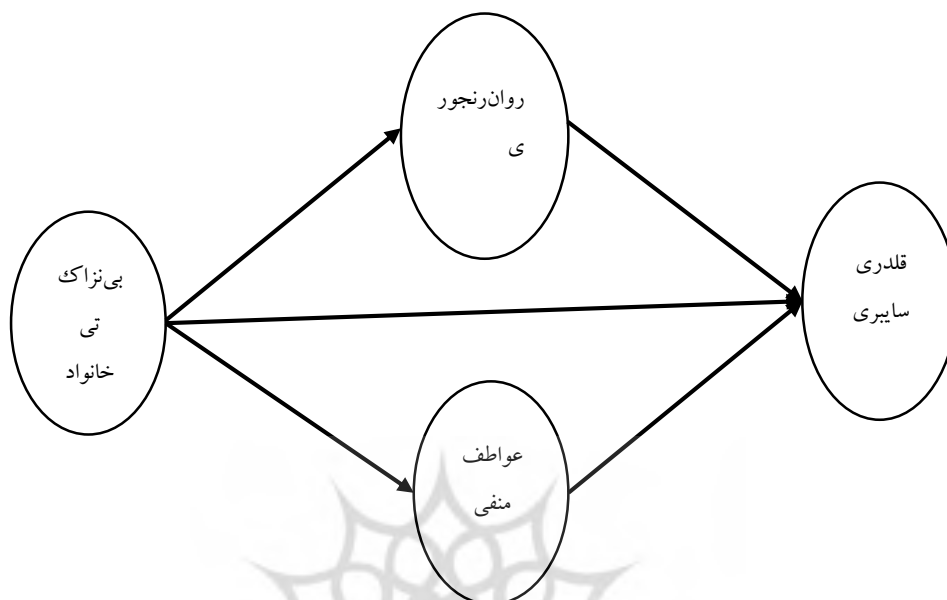
رابطه مستقیم بین بی‌نزاکتی خانوادگی و ارتکاب زورگویی سایبری در بین دانشجویان را روان رنجوری واسطه‌گری می‌کند.

پیشینه پژوهش

کوریاکوز و هیسینت (۲۰۲۳) در پژوهشی با عنوان بی‌نزاکتی خانوادگی و ارائه خدمات کارکنان خط مقدم هتل: نقش نشخوار فکری منفی، سرمایه روان‌شناختی و حمایت سازمانی درک شده که با روش توصیفی از نوع همبستگی و با نمونه آماری ۴۱۹ نفر انجام دادند به این نتیجه رسیدند که بی‌نزاکتی خانوادگی رابطه منفی با ارائه خدمات داشت و همچنین مشخص شد که بی‌نزاکتی خانوادگی به‌طور مثبت با نشخوار فکری منفی و رابطه معکوس بین نشخوار فکری منفی و ارائه خدمات مرتبط است. این مطالعه همچنین حمایت از نقش میانجی نشخوار فکری منفی و نقش تعدیل‌کننده سرمایه روان‌شناختی و حمایت سازمانی درک شده را نشان داد. پل و همکاران (۲۰۲۳) در پژوهشی با عنوان بی‌نزاکتی خانوادگی و قلدری در محل کار: واسطه و تعدیل‌کننده امنیت روانی، خوش‌بینی و عزت‌نفس سازمانی که با روش توصیفی از نوع همبستگی و با نمونه آماری ۶۰ نفر از هیئت‌علمی دانشگاه‌های هند انجام دادند به این نتیجه رسیدند که ایمنی روان‌شناختی نقش میانجی بین بی‌ادبی تجربه‌شده خانوادگی و قلدری در محل کار را دارد. علاوه بر این

صفت خوش‌بینی و امنیت روانی شرایط مرزی مؤثر بر پیامدهای بی‌نزاکتی خانوادگی بودند. گوپالان و همکاران (۲۰۲۲) در پژوهشی با عنوان بی‌نزاکتی خانوادگی و درگیری کاری: مدل میانجیگری تعدیل‌شده منابع شخصی و غنی‌سازی خانواده-کار که با روش توصیفی از نوع همبستگی و با نمونه آماری ۴۷۸ نفر از هیئت‌علمی دانشگاه‌های هند انجام دادند به این نتیجه رسیدند که خودکارآمدی در نفی تأثیر منفی بی‌نزاکتی خانواده بر درگیری کاری از طریق غنی‌سازی خانواده-کار کمک کرد. رابطه میانجی بین بی‌نزاکتی خانوادگی، غنی‌سازی خانواده-کار و درگیری کاری برای آن دسته از پاسخ‌دهندگان که منابع دوگانه مقابله فعال و خودکارآمدی داشتند قوی‌تر بود. پل و همکاران (۲۰۲۲)، در پژوهشی با عنوان از بی‌نزاکتی خانوادگی تا رضایت در کار: نقش فرسودگی شغلی و سرمایه روان‌شناختی که با روش توصیفی از نوع همبستگی و با نمونه آماری ۳۲۴ نفر کارکنان بیمارستان‌ها در هند انجام دادند به این نتیجه رسیدند که شواهد قوی از تأثیر میانجی‌گری فرسودگی شغلی حمایت کرد، این یافته به این معنی است که پزشکانی که در خانه با بی‌نزاکتی خانوادگی مواجه بودند، فرسودگی شغلی را تجربه کرده‌اند که بر رضایت شغلی آنها تأثیرگذار بوده است. همچنین، تأثیر غیرمستقیم بی‌نزاکتی خانوادگی بر رضایت شغلی از طریق فرسودگی شغلی کاهش می‌یابد. پل و همکاران (۲۰۲۱) در پژوهشی با عنوان بی‌نزاکتی خانوادگی، فرسودگی شغلی و رضایت شغلی: بررسی اثر میانجیگری که با روش توصیفی از نوع همبستگی و با نمونه آماری ۲۹۰ نفر کارکنان در هند انجام دادند به این نتیجه رسیدند که بی‌نزاکتی خانوادگی تأثیر مثبتی بر فرسودگی شغلی داشت و متعاقباً منجر به کاهش سطح رضایت شغلی شد. علاوه بر این، فرسودگی شغلی واسطه رابطه فوق‌الذکر بود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



شکل ۱؛ مدل مفهومی پژوهش برگرفته از پژوهش گائو (۲۰۲۲)

روش تحقیق

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر نحوه‌ی گردآوری اطلاعات توصیفی از نوع همبستگی مبتنی بر مدل معادلات ساختاری به شمار می‌آید. جامعه آماری پژوهش حاضر کلیه دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان) به تعداد ۲۲۰۰۰ نفر تشکیل دادند که از طریق فرمول نمونه‌گیری کوکران، تعداد ۳۸۴ نفر به عنوان نمونه، از طریق روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای انتخاب شدند. ابزار اصلی گردآوری داده‌ها پرسش‌نامه است که بر اساس متغیرهای موردبررسی ۴۷ سؤال در نظر گرفته شده است.

جدول ۱؛ ترکیب و طرح سؤالات پرسش‌نامه

متغیرهای موردبررسی	جمع سؤالات	طراح پرسش‌نامه
بی‌نزاکتی خانوادگی	۶	لیم و تای (۲۰۱۴)
ارتکاب قلدری سایبری	۱۲	کرتین و همکاران (۲۰۱۱)
روان رنجوری	۸	وانگ و همکاران (۲۰۱۱)
عواطف منفی	۲۱	گونگ و همکاران، (۲۰۱۰)

به‌منظور بررسی روایی محتوایی، پرسش‌نامه‌ها قبل از اجرا با استفاده از نظرات اساتید و خبرگان موردبررسی قرار گرفت. به‌منظور بررسی روایی صوری پرسش‌نامه‌های مذکور توسط ۳۰ نفر از جامعه آماری پژوهش تکمیل گردید و پس از ویرایش مفهومی برخی از سؤالات، ابزار اندازه‌گیری از روایی صوری برخوردار گردید. نتایج تحلیل عاملی تأییدی نشان داد تمامی شاخص‌های برازش، سؤال‌های بالای ۰/۹ هستند و این نشان‌دهنده موردقبول بودن گویه‌ها است.

جدول ۲؛ نتایج تحلیل عاملی تأییدی ابزارهای پژوهش

سؤالات	پرسش‌نامه	نتایج تحلیل عاملی تأییدی	نتیجه‌گیری
سؤالات ۱ تا ۶	بی‌نزاکتی خانوادگی	$\phi^2/df = ۰/۹۷۷$, $GFI = ۱/۰۰$, $AGFI = ۱/۰۰$, $RMSEA = ۰/۰۰۲$	برازش مدل مناسب است
سؤالات ۷ تا ۱۸	ارتکاب قلدری سایبری	$\phi^2/df = ۰/۹۵۵$, $GFI = ۰/۹۵$, $AGFI = ۱/۰۰$, $RMSEA = ۰/۰۰۲$	برازش مدل مناسب است
سؤالات ۱۹ تا ۲۶	روان‌رنجوری	$\phi^2/df = ۱/۰۰$, $GFI = ۰/۹۶$, $AGFI = ۱/۰۰$, $RMSEA = ۰/۰۰۱$	برازش مدل مناسب است
سؤالات ۲۷ تا ۴۷	عواطف منفی	$\phi^2/df = ۰/۹۸۸$, $GFI = ۰/۹۷$, $AGFI = ۱/۰۰$, $RMSEA = ۰/۰۰۱$	برازش مدل مناسب است

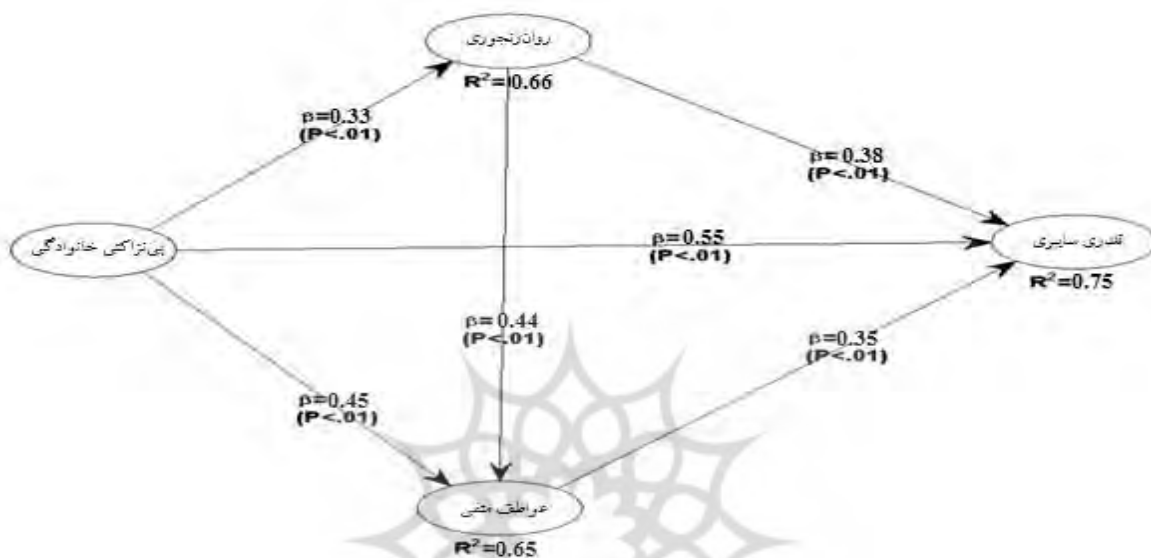
به‌منظور سنجش پایایی یک نمونه‌ی اولیه شامل ۳۰ آزمودنی پیش‌آزمون شد و سپس با استفاده از داده‌های به‌دست‌آمده میزان ضریب قابلیت اعتماد با روش آلفای کرونباخ محاسبه شد.

جدول ۳؛ ضرایب آلفای کرونباخ برای پرسش‌نامه پژوهش

متغیرهای موردبررسی	ضریب پایایی
بی‌نزاکتی خانوادگی	۰/۹۰
ارتکاب قلدری سایبری	۰/۹۰
روان‌رنجوری	۰/۸۸
عواطف منفی	۰/۸۸

یافته‌های پژوهش

شکل ۲ نتایج ارزیابی اثرات و آزمون فرضیه‌ها با استفاده از معادلات ساختاری را نشان می‌دهد.



شکل ۲. مدل مفهومی

جدول ۴؛ برازش مدل

شاخص‌های مورد بررسی	مقدار استاندارد	مقدار مدل	نتیجه‌گیری
AVIF	ا.وی.آی.اف	کمتر از ۳/۳ در حالت ایدئال	۱/۹۹
GOF	جی.او.اف	مقدار مناسب بیشتر از ۰/۲۵	۰/۹۹
SPR	اس.پی.آر	حالت ایدئال	۱
RSCR	آر.اس.سی.آر	حالت ایدئال	۱
SSR	اس.اس.آر	بیش از ۰/۷	۱
NLBCDR	آن. ال.بی.سی.دی.	بیش از ۰/۷	۱

آر

تأثیر بی‌نزاکتی خانوادگی بر ارتکاب قلدری سایبری با نقش میانجی عواطف منفی و روان رنجوری در

۱ - ۲۷

عباس قائدامینی هارونی ❖ مریم صالحی فارسانی ❖ علی رضا جعفری فارسانی ❖ الهه مشرف قهقرخی ❖ سمیه شاه بندری

جدول ۴: شاخص‌های برازش مدل ساختاری پژوهش با استفاده از نرم‌افزار «وارپ پی ال اس»

سازه شاخص	بی‌نزاکتی خانوادگی	قلدری سایبری	روان‌رنجوری	عواطف منفی
شاخص قدرت پیش‌بینی	۰/۷۷۵	۰/۶۷۶	۰/۶۸۵	
ضریب تعیین	۰/۷۵۵	۰/۶۵۵	۰/۶۶۶	
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۷۳۰	۰/۵۲۰	۰/۶۳۰	
پایایی مرکب	۰/۸۲۲	۰/۸۸۵	۰/۸۹۹	۰/۸۷۷
آلفای کرونباخ	۰/۹۰۹	۰/۹۰۵	۰/۸۸۸	۰/۸۸۵
میانگین واریانس استخراج شده	۰/۵۵۸	۰/۵۸۵	۰/۵۵۰	۰/۵۳۰
تورم واریانس	۴/۰۱۱	۱/۵۱۰	۲/۲۵۰	۴/۵۵۵

همان‌طور که در جدول (۴) مشاهده می‌شود، به غیر از سازه قلدری سایبری با مقدار قدرت پیش‌بینی بالای متوسط، سایر سازه‌های مدل، بالاتر از ۰/۳۵ می‌باشند؛ بنابراین قدرت پیش‌بینی شاخص‌های مربوط به سازه‌های درونزای مدل، در حد بسیار مطلوب، برازش می‌شود.

جدول (۶) ماتریس سنجش روایی همگرا (میانگین واریانس استخراج شده) به روش فرنل و لاکر و روایی واگرا

سازه	روایی همگرا	بی‌نزاکتی خانوادگی	ارتکاب قلدری سایبری	روان‌رنجوری	عواطف منفی
بی‌نزاکتی خانوادگی	۰/۵۵۵	۰/۸۹۲			
ارتکاب قلدری سایبری	۰/۴۸۵	۰/۵۹۰	۰/۸۸۵		
روان‌رنجوری	۰/۵۱۵	۰/۵۲۲	۰/۶۳۳	۰/۸۸۸	
عواطف منفی	۰/۵۰۵	۰/۵۱۱	۰/۵۲۰	۰/۶۱۰	۰/۸۵۵

جذر روایی همگرای هر مؤلفه (موارد پررنگ شده) باید بیشتر از حداکثر همبستگی آن مؤلفه با مؤلفه‌های دیگر باشد (فرنل و لاکر^۱، ۱۹۸۱)، که اعداد مندرج در جدول بالا، مؤید روایی واگرای مناسبی در روش فرنل و لاکر بوده است.

همچنین معیار نیکویی برازش، مربوط به بخش کلی مدل‌های معادلات ساختاری است که پس از بررسی برازش بخش اندازه‌گیری و بخش ساختاری مدل کلی پژوهش خود، برازش بخش کلی را نیز کنترل

۱- Fornell, Larcker

نماید که با محاسبه‌ای که از مدل انجام شد، مقدار شاخص تنهاوس^۱ برای این مدل ۰/۵۳۳ احصا شده است که این مقدار حاکی از برازش بسیار قوی مدل دارد.

جدول ۷: نتیجه کلی آزمون فرضیه‌های پژوهش

فرضیه	ادعای فرضیه‌های پژوهش	β	R^2	آماره t	نتیجه
اول	بی‌نزاکتی خانوادگی بر ارتکاب قلدری سایبری	۰/۵۵	۰/۷۵	۰/۰۰۱ ?	تأیید
دوم	روان‌رنجوری بر ارتکاب قلدری سایبری	۰/۳۸	۰/۵۵	۰/۰۰۱ ?	تأیید
سوم	عواطف منفی بر ارتکاب قلدری سایبری	۰/۳۵	۰/۴۴	۰/۰۰۱ ?	تأیید
چهارم	روان‌رنجوری بر عواطف منفی	۰/۴۴	۰/۵۰	۰/۰۰۱ ?	تأیید
پنجم	بی‌نزاکتی خانوادگی بر روان‌رنجوری	۰/۳۳	۰/۶۶	۰/۰۰۱ ?	تأیید
ششم	بی‌نزاکتی خانوادگی بر عواطف منفی	۰/۴۵	۰/۶۵	۰/۰۰۱ ?	تأیید

یک فرض زیربنایی مدل پیشنهادی حاضر، وجود مسیرهای واسطه‌ای بود که این روابط با استفاده از روش بوت استرپ^۲ بررسی شدند. نتایج بوت استرپ برای مسیرهای واسطه‌ای مدل پیشنهادی را می‌توان در جدول ۸ مشاهده نمود. همان‌طور که نتایج مندرج در جدول ۸ نشان می‌دهد، حد پایین فاصله اطمینان برای روان‌رنجوری، به‌عنوان متغیر میانجی بین بی‌نزاکتی خانوادگی با ارتکاب قلدری سایبری (۰/۶۶۵) و حد بالای آن (۰/۱۱۵) است. سطح اطمینان برای این فاصله اطمینان، ۹۵ و تعداد نمونه‌گیری مجدد بوت استرپ ۵۰۰۰ است. با توجه به این که صفر بیرون از این فاصله اطمینان قرار می‌گیرد، این رابطه واسطه‌ای معنی‌دار است؛ بنابراین روان‌رنجوری در بین رابطه بین بی‌نزاکتی خانوادگی با ارتکاب قلدری سایبری، به‌عنوان متغیر میانجی ایفای نقش می‌کند؛ همچنین، حد پایین فاصله اطمینان برای عواطف منفی، به‌عنوان متغیر میانجی بین بی‌نزاکتی خانوادگی با ارتکاب قلدری سایبری (۰/۰۶۳۳) و حد بالای آن (۰/۱۱۱) - است. سطح اطمینان برای این فاصله اطمینان، ۹۵ و تعداد نمونه‌گیری مجدد بوت استرپ ۵۰۰۰ است. با توجه به این که صفر بیرون از این فاصله اطمینان قرار می‌گیرد، این رابطه واسطه‌ای معنی‌دار است؛ بنابراین عواطف منفی در بین

1- Tenenhaus

2 - Bootstrap

رابطه بین بی‌نزاکتی خانوادگی با ارتکاب قلدری سایبری، به‌عنوان متغیر میانجی ایفای نقش می‌کند.

جدول ۸: نتایج بوت استرپ برای مسیرهای واسطه‌ای مدل پیشنهادی

مسیر	مقدار	بوت	سوگیری	خطای	سطح اطمینان ۰/۹۵
				استاندارد	حد بالا حد پایین
بی‌نزاکتی خانوادگی - روان‌رنجوری - ارتکاب قلدری سایبری	۰/۰۴۳۲	۰/۰۴۳۰	۰/۰۰۰۱	۰/۰۱۵۵	۰/۰۶۶۵ ۰/۰۱۱۵
بی‌نزاکتی خانوادگی - عواطف منفی - ارتکاب قلدری سایبری	۰/۰۳۳۵	۰/۰۳۳۰	۰/۰۰۰۱	۰/۰۱۱۵	۰/۰۶۳۳ ۰/۰۱۱۱

نهایتاً جهت برازش کلی مدل، از شاخص‌هایی همچون میانگین نرخ تورم واریانی، شاخص نیکویی برازش کلی، میانگین ضریب مسیر و میانگین ضریب تعیین استفاده شده است که نتایج آن در جدول (۹) ارائه شده است.

جدول ۹: شاخص‌های برازش نهایی مدل با استفاده از نرم‌افزار «وارپ پی ال اس»

شاخص‌های برازش	میزان	ملاک	معناداری
میانگین نرخ تورم واریانس ^۱	۳/۳۳۰	$5 \leq$ قابل قبول $3/3 \leq$ ایدئال	-
شاخص نیکویی برازش کلی ^۲	۰/۵۵۰	$0/1 \geq$ ضعیف $0/25 \geq$ متوسط $0/36 \geq$ عالی	-
میانگین ضریب مسیر ^۳	۰/۵۰۰	۰/۰۵ ?	۰/۰۰۱ ?
میانگین ضریب تعیین ^۴	۰/۶۸۶	۰/۰۵ ?	۰/۰۰۱ ?

همچنین معیار نیکویی برازش، مربوط به بخش کلی مدل‌های معادلات ساختاری است که پس از بررسی برازش بخش اندازه‌گیری و بخش ساختاری مدل کلی پژوهش خود، برازش بخش کلی را نیز کنترل نماید که با محاسبه‌ای که از مدل انجام شد، مقدار شاخص تنهاوس^۵ برای این مدل ۰/۵۵۰ احصا شده است که این مقدار حاکی از برازش بسیار قوی مدل دارد.

1- Average Variance Inflation Factor (AVIF)

2- Goodness-of Fit Index (GOF)

3- Average path coefficient (APC)

4- Average R-squared (ARS)

5- Tenenhaus

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش بی‌نزاکتی خانوادگی در ارتکاب قلدری سایبری دانشجویان دانشگاه با توجه میانجیگری عواطف منفی و روان‌رنجوری انجام شد. یافته‌های پژوهش حاضر به غنی پژوهش‌های مرتبط با بی‌نزاکتی خانوادگی می‌افزاید و نظریه ناکامی-پرخاشگری را گسترش می‌دهد. به‌طور خاص، نتایج نشان داد که بی‌نزاکتی خانوادگی به‌طور مثبت با ارتکاب زورگویی سایبری در بین دانشجویان دانشگاه با میانجیگری عواطف منفی ارتباط دارد. تأثیرات بی‌نزاکتی خانوادگی بر احساسات منفی و ارتکاب زورگویی سایبری برای دانشجویان با سطوح بالای روان‌رنجوری قوی‌تر بود. باین‌حال، سطوح پایین روان‌رنجوری به‌سختی رابطه بین بی‌نزاکتی خانوادگی و عواطف منفی و همچنین رابطه بین بی‌نزاکتی خانوادگی و ارتکاب زورگویی سایبری را میانجیگری کرد. کوانگ و همکاران، ۲۰۲۰؛ وانگ و همکاران، ۲۰۲۱). برخلاف افراد بسیار روان رنجور، افرادی که در سطح پایین قرار داشتند همیشه احساس آرامش و آشفتگی بیشتری می‌کردند، بنابراین تجربه عاطفی منفی کمتری از رویدادهای استرس‌زا زندگی، مانند بی‌نزاکتی خانوادگی داشتند. پژوهش حاضر از چهار جنبه به ادبیات فعلی کمک کرد. اولاً، اگرچه پژوهش‌های در زمینه بی‌نزاکتی خانوادگی انجام شده است، اما بیشتر آن‌ها بر تأثیر بی‌اعتنایی خانواده در زمینه کار خانواده متمرکز شده‌اند (بای و همکاران، ۲۰۱۶؛ رایت و همکاران، ۲۰۲۰؛ رن و همکاران، ۲۰۲۱) و توجه کمی به رابطه بین بی‌نزاکتی خانوادگی و ارتکاب قلدری سایبری در بین دانشجویان دانشگاه داشته‌اند. پژوهش حاضر، بی‌نزاکتی خانوادگی را در چارچوب نظریه ناکامی-پرخاشگری مورد مطالعه قرار دارد و دریافت که سرخوردگی مزمن (یعنی بی‌نزاکتی خانوادگی) همچنین بر ارتکاب قلدری اینترنتی دانشجویان دانشگاه تأثیر گذاشته است، در نتیجه فرضیه ۱ تأیید می‌شود. این یافته با یافته‌های پژوهش‌های دیگر که نشان می‌دهند که رویدادهای استرس‌زای زندگی منجر به ارتکاب قلدری اینترنتی فرد می‌شود (یودس و همکاران، ۲۰۲۱) همراستا است. ناامیدی مکرر و مزمن می‌تواند باعث بروز پرخاشگری در هر دو سطح فردی و اجتماعی شود. در کنار منبع دائمی ناامیدی، قربانیانی که بی‌نزاکتی خانوادگی بیشتری را تجربه می‌کنند، بیشتر احتمال دارد که مرتکب قلدری سایبری شوند. علاوه بر این، وضعیت اجتماعی فرد یک متغیر تعدیل‌کننده بالقوه است زیرا با کاهش احتمال وقوع اعمال تلافی‌جویانه و افزایش ناشناس ماندن فرد در محیط‌های اینترنتی عدم تعادل قدرت تا حد زیادی از بین می‌رود، به‌طوری‌که هرکسی، حتی اگر ضعیف یا از طبقه اجتماعی پایین باشد، می‌تواند به دیگران به‌صورت آنلاین حمله کند (بارلت و جنتیل، ۲۰۱۲). پژوهش حاضر دیدگاه جدیدی برای بررسی تأثیرات بی‌نزاکتی خانوادگی و ارتکاب قلدری سایبری

را در میان دانشجویان دانشگاه ارائه می‌دهد. پژوهش حاضر، نقش میانجی عواطف منفی را بررسی کرده و نشان داده است که عواطف منفی دارای نقش میانجی در میان بی‌نزاکتی خانوادگی و ارتکاب قلدری سایبری است که تأییدی بر فرضیه ۲ پژوهش است (پادل و همکاران، ۲۰۲۰) که ارتباط مثبتی با ارتکاب قلدری سایبری داشتند (شود و همکاران، ۲۰۲۱). پژوهش‌های قبلی که عواطف منفی، مانند استرس و اضطراب، می‌تواند منجر به تکانش‌گری افراد می‌شود. افرادی که دارای سطوح بالایی از تکانش‌گری هستند، تمایل بیشتری به ارتکاب قلدری سایبری دارند (کووالسکی و همکاران، ۲۰۱۴). بااین حال، پژوهش‌های قبلی توجه کمی به عامل استرس‌زا، یعنی بی‌نزاکتی خانوادگی داشته است. درواقع، محرک‌های بیرونی، یعنی عوامل استرس‌زا، فقط می‌توانند برانگیختگی عمومی ایجاد کنند، درحالی‌که نحوه تفسیر یک فرد از ادراک درونی‌اش بر درک او از رویدادهای استرس‌زا زندگی و پرخاشگری تأثیر بسیار بیشتری دارد. بی‌نزاکتی خانوادگی به عنوان یک عامل استرس‌زا می‌تواند باعث اختلال یا فشار واقعی شود و عواطف منفی فردی را ایجاد کند که تحریکی برای فرد برای انجام قلدری اینترنتی است. بسیاری از پژوهش‌ها تأثیرات بی‌نزاکتی خانوادگی بر عواطف منفی فردی و اعمال پرخاشگرانه را بررسی کرده‌اند (ماریا و دیوی، ۲۰۲۰). بی‌نزاکتی خانوادگی (به عنوان مثال، بی تفاوتی خانوادگی، طرد شدن، نداشتن حریم خصوصی) می‌تواند باعث افزایش احساس ناراحتی روانی (لیم و تای، ۲۰۱۴) و مصرف عاطفی (حسن و همکاران، ۲۰۱۹) شود، در نتیجه فرد عواطف منفی بیشتری را تجربه می‌کند. اگر بی‌نزاکتی فزاینده خانواده برای مدت طولانی ادامه داشته باشد، ممکن است فرد نتواند عواطف منفی خود را به موقع و به طور مؤثر رها کند و در نتیجه مرتکب قلدری سایبری شود. بنابراین، از طریق بررسی رابطه بین بی‌نزاکتی خانوادگی و عواطف منفی، می‌توان پیش‌بینی کرد که دانشجویان که بی‌نزاکتی خانوادگی بیشتری را تجربه می‌کنند، عواطف منفی بیشتری را در خود ایجاد کرده و احتمال بیشتری برای انجام اعمال تهاجمی مانند ارتکاب قلدری سایبری دارند. پژوهش حاضر، بر اهمیت ذهنیت دانشجویان دانشگاه تأکید می‌کند، تجارب قبلی آن‌ها را با رفتارهای مشکل‌دار مرتبط می‌کند و زاویه جدیدی را برای بررسی ارتباط بین تعاملات خانوادگی و اعمال پرخاشگرانه آنلاین ارائه می‌دهد. نتایج پژوهش حاضر از نقش میانجی روان رنجوری را نیز تأیید می‌کند. روان رنجورخویی پاسخ‌های استرسی فرد را تقویت می‌کند و فرد مبتلا به روان رنجوری در برابر استرس آسیب‌پذیرتر است. روان رنجورها بیشتر احتمال دارد درد و عواطف منفی را تجربه کنند که آن‌ها را برای درک تهدیدها آماده می‌کند. در مواجهه با رویدادهای استرس‌زا زندگی، افراد بسیار روان رنجور به راحتی تحت تأثیر شناخت منفی قرار می‌گیرند و کمبود منابع استراتژیک برای عوامل استرس‌زا را احساس می‌کنند و بر این اساس ممکن است رویدادهای

استرس‌زای زندگی را به‌راحتی به‌عنوان یک تهدید در نظر بگیرند. یک مطالعه طولی دوساله نشان داد که ارزیابی تهدید برای رویدادهای استرس‌زا زندگی منجر به احساسات منفی فرد، مانند اضطراب و افسردگی و رفتارهای پر خاشگروانه می‌شود (تیلور و همکاران، ۲۰۱۳). همان‌طور که در نتایج نشان داده شد، سطوح بالای روان‌رنجورخویی همبستگی بین بی‌نزاکتی خانوادگی و عواطف منفی و همچنین ارتباط بین بی‌نزاکتی خانوادگی و ارتکاب قلدری سایبری را تقویت کرد. فرضیه‌های ۳ و ۴ تأیید شدند. با این حال، یافته‌های پژوهش حاضر با پژوهش‌های قبلی مطابقت دارد که نشان می‌دهد دانشجویان دانشگاه با سطوح بالای روان‌رنجورخویی بیشتر مستعد عوامل استرس‌زا هستند، که منجر به احساسات منفی و ارتکاب قلدری اینترنتی می‌شود، درحالی‌که آن‌هایی که سطح روان‌رنجوری پایینی دارند کمتر احتمال دارد چنین مشکلاتی داشته باشند (میسلی و همکاران ۲۰۲۱). روان‌رنجوری بر توانایی کنترل هیجانی فرد تأثیر می‌گذارد. افراد با سطوح مختلف روان‌رنجوری دارای توجه انتخابی، ارزیابی‌های شناختی و راهبردهای مقابله‌ای متفاوت هستند. در مواجهه با رویدادهای استرس‌زای زندگی، افراد بسیار روان رنجور با توانایی تنظیم هیجانی ضعیف، نسبت به اطلاعات منفی حساس‌تر هستند و احتمالاً سطح بالاتری از احساسات منفی را تجربه می‌کنند و تفاسیر عاطفی آن‌ها با مشکل همراه است. علاوه بر این، افراد با سطوح بالای روان رنجور با در نظر گرفتن بی‌نزاکتی خانوادگی (یعنی عامل استرس‌زا) تهدیدکننده، تمایل بیشتری به اتخاذ ارزیابی شناختی منفی دارند، درنهایت افراد را به اتخاذ راهبردهای مقابله‌ای منفی (مثلاً ارتکاب قلدری سایبری)، برای کاهش احساسات منفی خود سوق می‌دهد. یک آزمایش بیولوژیکی اخیر نشان داد که روان‌رنجورخویی بالا می‌تواند واکنش‌پذیری افراد را نسبت به سیستم لیمبیک افزایش دهد و تحمل آن‌ها را در برابر عوامل استرس‌زا یا محرک‌های نفرت‌انگیز کاهش دهد، به‌طوری‌که افراد بسیار روان‌رنجور همیشه توسط احساسات منفی آشفته می‌شوند و راهبردهای مقابله‌ای منفی را اتخاذ می‌کنند (مگال و همکاران، ۲۰۲۱). پژوهش حاضر منعکس‌کننده تفاوت‌های فردی در میان قربانیانی است که از بی‌نزاکتی خانوادگی رنج می‌برند و روان‌رنجوری نقش مهمی در این مدل ایفا می‌کند. درنهایت، پژوهش حاضر کاربردی بودن تئوری سرخوردگی - پرخاشگری را در بین دانشجویان معاصر تقویت می‌کند. پشتیبانی تجربی برای این نظریه فراهم می‌کند و رابط تعاملی بین محیط‌های آنلاین و آفلاین را بررسی می‌کند. بی‌نزاکتی خانوادگی یک رویداد استرس‌زای زندگی با شدت کم و نامحسوس است (لیم و تای، ۲۰۱۴). بنابراین، بی‌نزاکتی خانوادگی انگیزه‌ای برای عواطف منفی دانشجویان و ارتکاب قلدری سایبری است، این مطالعه نشان داد که بی‌نزاکتی خانوادگی ارتباط مثبتی با ارتکاب قلدری اینترنتی به‌طور مستقیم یا از طریق واسطه عواطف منفی دارد، که نشان می‌دهد تجربیات منفی مزمن در زندگی واقعی

نیز می‌تواند باعث اعمال پرخاشگرانه آنلاین شود. پژوهش حاضر دیدگاه جدیدی برای تئوری ناکامی-پرخاشگری در تفسیر تأثیر قدرت سرخوردگی بر رفتار پرخاشگرانه ارائه می‌کند. علاوه بر این، شخصیت به‌عنوان یک ویژگی فردی نسبتاً پایدار، می‌تواند به‌طور مزمن بر شناخت و سبک‌رفتاری فردی تأثیر بگذارد (بک و همکاران، ۲۰۰۹). پژوهش حاضر همراه با مدل پنج عاملی شخصیت، مکانیسم روان‌رنجورخویی را در نظریه ناکامی-پرخاشگری موردبحث قرار می‌دهد که همچنین یک آزمون تجربی برای مکانیسم ویژگی‌های شخصیتی در تحقیقات استرس ارائه می‌دهد. پژوهش حاضر دارای مفاهیم کاربردی نیز است. با توجه به یافته‌های پژوهش حاضر، بین بی‌نزاکتی خانوادگی، عواطف منفی و ارتکاب قلدری سایبری همبستگی مثبت وجود دارد که نشان می‌دهد والدین باید از تعاملات منفی خانوادگی مانند بی‌توجهی، طرد و کنکاش در حریم خصوصی فرزندان خودداری کنند و محیطی محترمانه، هماهنگ و صمیمی برقرار کنند. رابطه مطلوب خانوادگی برای مهار عواطف منفی فردی و ارتکاب قلدری سایبری ضروری است. علاوه بر این، سلامت روان دانشجویان حاضر در این پژوهش ارتباط نزدیکی با تجربه رو به رشد آن‌ها دارد. پژوهش حاضر نشان داد که تأثیر پایدار بی‌نزاکتی خانوادگی بر دانشجویان به‌سختی قابل درمان است، حتی اگر آن‌ها خانواده‌های خود را برای زندگی در یک محیط جدید ترک کرده باشند. بنابراین، آموزش روان‌شناختی باید بر خانواده‌های دانشجویان متمرکز باشد، زیرا زمینه را برای کنترل منشأ احساسات منفی دانشجویان فراهم کرده و مداخله‌ای مؤثر جهت قطع دور باطل قلدری سایبری در دانشگاه خواهد بود. درنهایت، یافته‌ها نشان می‌دهد که روان‌رنجوری نقش مهمی در نحوه تعامل افراد با رویدادهای استرس‌زا زندگی دارد. افراد بسیار عصبی نسبت به رویدادهای فشار آسیدپذیرتر و مستعد قلدری سایبری هستند. بنابراین، برای دانشجویانی که دارای سطوح بالای روان‌رنجورخویی هستند، باید یاد بگیرند که احساسات خود را مدیریت کرده و ثبات عاطفی خود را حفظ کنند تا بتوانند از هیجانات منفی ناشی از بی‌نزاکتی خانوادگی خود بکاهند.

References

- Acker, K., and Pitchford, K. (2014). Family matters: The impact of culture on family interactions, and of family interaction on peer relations. *Adv. Mat. Res.* 922, 475–480. doi: 10.4028/www.scientific.net/AMR.922.475
- Aiken, L. S., and West, S. G. (1991). *Multiple regression: Testing and interpreting interactions*. Newbury Park, CA: Sage.
- Agnew, R. (1992). Foundation for a general strain theory of crime and delinquency. *Criminology* 30, 47–87. doi: 10.1111/j.1745- 125.1992.tb01093.x
- Amy, J., Kercher, R. M., and Rapee, C. A. (2009). Neurticism, life events and negative thoughts in the development of depression in adolescent girls. *J. Abnorm. Child Psychol.* 37, 903–915. doi: 10.1007/s10802-009-9325-1
- Anat, H. (2014). Using scenarios to understand the frontiers of IS: Fifteen years later (a postscript). *Inform. Syst. Front.* 16, 347–352. doi: 10.1007/s10796-014-9501-x
- Anglim, J., Horwood, S., Smillie, L. D., Marrero, R. J., and Wood, J. K. (2020). Predicting psychological and subjective well-being from personality: A meta-analysis. *Psychol. Bull.* 146, 279–323. doi: 10.1037/bul0000226
- Antony, M. M., Bieling, P. J., Cox, B. J., Enns, M. W., and Swinson, R. P. (1998). Psychometric properties of the 42-item and 21-item versions of the depression anxiety stress scales in clinical groups and a community sample. *Psychol. Ass.* 10, 176–181. doi: 10.1037/1040-3590.10.2.176
- Aoyama, I., Terrill, F., Saxon, D., and Fearon, D. (2011). Internalizing problems among cyberbullying victims and moderator effects of friendship quality. *Multicult. Educ. Tech. J.* 5, 92–105. doi: 10.1108/17504971111142637
- Back, M., Schmukle, S. C., and Egloff, B. (2009). Predicting actual behavior from the explicit and implicit self-concept of personality. *J. Pers. Soc. Psychol.* 97, 533–548. doi: 10.1037/a0016229
- Bai, Q. Y., Lin, W. P., and Wang, L. (2016). Family incivility and counterproductive work behavior: A moderated mediation model of self-esteem and emotional regulation. *J. Voc. Behav.* 94, 11–19. doi: 10.1016/j.jvb.2016.02.014
- Bai, Q., Bai, S., Huang, Y., Hsueh, F. H., and Wang, P. (2020). Family incivility and cyberbullying in adolescence: A moderated mediation model. *Comput. Hum. Behav.* 110:106315. doi: 10.1016/j.chb.2020.106315
- Balta, S., Emirtekin, E., Kircaburun, K., and Griffiths, M. D. (2020). The mediating role of depression in the relationship between body image dissatisfaction and cyberbullying perpetration. *Int. J. Ment. Health Addict.* 18, 1482–1492. doi: 10.1007/s11469-019-00151-9
- Bane, C. M. H., Cornish, M., Erspamer, N., and Kampman, L. (2010). Selfdisclosure through weblogs and perceptions of online and "real-life" friendships among female bloggers. *Cyberpsych. Behav. Soc. N.* 13, 131–139. doi: 10.1089/cyber.2009.0174

- Barlett, C. P., and Fennel, M. (2016). Examining the relation between parental ignorance and youths' cyberbullying perpetration. *Psychol. Pop. Media Cult.* 7, 547–560. doi: 10.1037/ppm0000139
- Barlett, C. P., and Gentile, D. (2012). Attacking Others Online: The formation of cyberbullying in late adolescence. *Psychol. Pop. Media Cult.* 1, 123–135. doi: 10.1037/a0028113
- Berkowitz, L. (1978). Whatever happened to the frustration-aggression hypothesis? *Am. Behav. Sci.* 21, 691–708. doi: 10.1177/000276427802100505
- Berkowitz, L. (1983). Aversively stimulated aggression. Some parallels and differences in research with animals and humans. *Am. Psychol.* 38, 1135–1144. doi: 10.1037/0003-066X.38.11.1135
- Berkowitz, L. (1988). Frustrations, appraisals, and aversively stimulated aggression. *Aggress. Behav.* 14, 3–11.
- Berkowitz, L. (1988). Frustrations, appraisals, and aversively stimulated aggression. *Aggress. Behav.* 14, 3–11.
- Berkowitz, L. (2003). *Affect, aggression, and antisocial behavior*. New York, NY: Oxford University Press.
- Berkowitz, L., and Heimer, K. (1989). On the construction of the anger experience: Aversive events and negative priming in the formation of feelings. *Adv. Exp. Soc. Psychol.* 22, 1–37. doi: 10.1016/S0065-2601(08)60304-4
- Bronfenbrenner, U. (1986). Ecology of the family as a context for human development: Research perspectives. *Dev. Psychol.* 22, 723–742. doi: 10.1037/0012-1649.22.6.723
- Campbell, M. A., Slee, P. T., Spears, B., Butler, D., and Kift, S. (2013). Do cyberbullies suffer too? Cyberbullies' perceptions of the harm they cause to others and to their own mental health. *Sch. Psychol. Int.* 34, 613–629. doi: 10.1177/0143034313479698
- Chong, L., Michelle, T., Kathryn, C., Kelvin, L., and Bonnie, K. D. (2017). Cortisol awakening response, internalizing symptoms, and life satisfaction in emerging adults. *Int. J. Mol. Sci.* 18:2501. doi: 10.3390/ijms18122501
- Chu, X., Li, Y., Wang, P., Zeng, P., and Lei, L. (2021). Social support and cyberbullying for university students: The mediating role of internet addiction and the moderating role of stress. *Curr. Psychol.* doi: 10.1007/s12144-021-01607-9
- Cohen, A. R. (1955). Social norms, arbitrariness of frustration, and status of the agent of frustration in the frustration-aggression hypothesis. *J. Abnorm. Soc. Psychol.* 51, 222–226. doi: 10.1037/h0039947
- Cortina, L. M., and Magley, V. J. (2009). Patterns and profiles of response to incivility in the workplace. *J. Occup. Health Psychol.* 14, 272–288. doi: 10.1037/a0014934

- Cortina, L. M., Magley, V. J., Williams, J. H., and Langhout, R. D. (2001). Incivility in the workplace: Incidence and impact. *J. Occup. Health Psychol.* 6, 64–80. doi: 10.1037/1076-8998.6.1.64
- Costa, P. T., and McCrae, R. R. (1992). Normal personality assessment in clinical practice: The NEO personality inventory. *Psychol. Ass.* 4, 5–13. doi: 10.1037/1040-3590.4.1.5
- Cretin, B., Yaman, E., and Peker, A. (2011). Cyber victim and bullying scale: A study of validity and reliability. *Comp. Educ.* 57, 2261–2271. doi: 10.1016/j.compedu.2011.06.014
- Deb, S., and Walsh, K. (2012). Impact of physical, psychological, and sexual violence on social adjustment of school children in India. *Sch. Psychol. Int.* 33, 391–415. doi: 10.1177/0143034311425225
- Fortesa, K., and Ajete, K. (2014). Family influence on disordered eating behaviour. *Procedia Soc. Behav. Sci.* 159, 314–318. doi: 10.1016/j.sbspro.2014.12.379
- Gallagher, D. J. (1990). Extraversion, neuroticism and appraisal of stressful academic events. *Pers. Individ. Differ.* 11, 1053–1057. doi: 10.1016/0191-8869(90)90133-C
- Gong, X., Xie, X. Y., Xu, R., and Luo, Y. J. (2010). Psychometric properties of the chinese versions of DASS-21 in Chinese college students. *Chi. J. Clin. Psychol.* 18, 443–446.
- Gopalan, N., Pattusamy, M., & Goodman, S. (2022). Family incivility and work-engagement: Moderated mediation model of personal resources and family-work enrichment. *Current Psychology: A Journal for Diverse Perspectives on Diverse Psychological Issues*, 41(10), 7350–7361.
- Gopalan, N., Pattusamy, M., and Goodman, S. (2021). Family incivility and work engagement: Moderated mediation model of personal resources and family-work enrichment. *Curr. Psychol.* 17, 1–12. doi: 10.1007/s12144-021-01420-4
- Gurr, T. R. (1970). *Why men rebel*. New Jersey, NJ: Princeton University Press.
- Hameed, Z., Khan, I. U., Chudhery, M., and Ding, D. (2017). Incivility and counterproductive work behavior: A moderated mediation model of emotional regulation and psychological distress. *Int. J. Appl. Behav. Econom.* 6, 1–22. doi: 10.4018/IJABE.2017070101
- Hassan, S. A., Fatima, T., and Saeed, I. (2019). A regional study on spillover perspective: Analyzing the underlying mechanism of emotional exhaustion between family incivility, thriving and workplace aggression. *Glob. Reg. Rev.* 4, 28–36. doi: 10.31703/grr.2019(IV-III).04
- Hayes, A. F. (2013). *In process: A versatile computational tool for observed variable mediation, moderation, and conditional process modeling*. New York, NY: Guilford Press.
- Hayes, A. F., and Scharkow, M. (2013). The relative trustworthiness of inferential tests of the indirect effect in statistical mediation analysis: Does method

- really matter? Psychol. Sci. 24, 1918–1927. doi: 10.1177/0956797613480187
- Henry, J. D., and Crawford, J. R. (2011). The short-form version of the depression anxiety stress scales (DASS-21): Construct validity and normative data in a large non-clinical sample. *Br. J. Clin. Psychol.* 44, 227–239. doi: 10.1348/014466505X29657
- Hill, A. B., and Kemp-Wheeler, S. M. (1986). Personality, life events and subclinical depression in students. *Pers. Individ. Differ.* 7, 469–478. doi: 10.1016/0191-8869(86)90125-X
- Hinduja, S., and Patchin, J. W. (2008). Cyberbullying: An exploratory analysis of factors related to offending and victimization. *Deviant Behav.* 29, 129–156. doi: 10.1080/01639620701457816
- Holfeld, B., and Baitz, R. (2020). The mediating and moderating effects of social support and school climate on the association between cyber victimization and internalizing symptoms. *J. Youth Adoles.* 49, 2214–2228. doi: 10.1007/s10964-020-01292-0
- Horner, K. L. (1996). Locus of control, neuroticism, and stressors: Combined influences on reported physical illness. *Pers. Individ. Differ.* 21, 195–204. doi: 10.1016/0191-8869(96)00067-0
- Huang, L., Zhang, J., Duan, W., and He, L. (2021). Peer relationship increasing the risk of social media addiction among Chinese adolescents who have negative emotions. *Curr. Psychol.* 20, 1–9. doi: 10.1007/s12144-021-01997-w
- Johan, O., Oldehinkel, A. J., and Brilman, E. I. (2002). The interplay and etiological continuity of neuroticism, difficulties and life events in the etiology of major and subsyndromal, first and recurrent depressive episodes in later life. *Am. J. Psychiatry* 158, 885–891. doi: 10.1176/appi.ajp.158.6.885
- John, O. P., Donahue, E. M., and Kentle, R. (1991). *The Big-Five inventory*. Berkeley, CA: University of California.
- Judge, T. A., Bono, J. E., Ilies, R., and Gerhardt, M. W. (2002). Personality and leadership: A qualitative and quantitative review. *J. Appl. Psychol.* 87, 765–780. doi: 10.1037/0021-9010.87.4.765
- Kim, J. E. (2015). Gender differences in problematic online behavior of adolescent users over time. *Fam. Environ. Res.* 53, 641–654. doi: 10.6115/fer.2015.051
- Koivisto, M., Virkkala, M., Puustinen, M., and Aarnio, J. (2021). Open and empathic personalities see two things at the same time: The relationship of big five personality traits and cognitive empathy with mixed percepts during binocular rivalry. *Curr. Psychol.* doi: 10.1007/s12144-021-02249-7
- Kowalski, R. M., Giumetti, G. W., Schroeder, A. N., and Lattanner, M. R. (2014). Bullying in the digital age: A critical review and meta-analysis of cyberbullying research among youth. *Psychol. Bull.* 140, 1073–1137. doi: 10.1037/a0035618

- Kowalski, R. M., Morgan, C. A., and Limber, S. P. (2012). Traditional bullying as a potential warning sign of cyberbullying. *Sch. Psychol. Int.* 33, 505–519. doi: 10.1177/0143034312445244
- Kuang, L., Wang, W., Huang, Y., Chen, X., and Chen, J. (2020). Relationship between Internet addiction, susceptible personality traits, and suicidal and selfharm ideation in Chinese adolescent students. *J. Behav. Addict.* 9, 1–9. doi: 10.1556/2006.2020.00032
- Kuriakose, V., T S, D. and Hycinth, F. (2023), "Family incivility and service delivery of frontline hotel employees: roles of negative rumination, psychological capital and perceived organisational support", *International Journal of Conflict Management*, 34 (4), 692-716.
- Laura, M., Schulz, P. J., and Anne-Linda, C. (2020). Cyberbullying perpetration and victimization in youth: A meta-analysis of longitudinal studies. *J. Comput. Mediat. Commun.* 25, 1–19. doi: 10.1093/jcmc/zmz031
- Lee, J., and Kang, M. J. (2019). Effects of parent-adolescent relationship quality and parental controlling behavior on cyberbullying perpetration: Mediating effects of cyberbullying victimization. *Korean J. Child Stud.* 40, 69–83. doi: 10.5723/kjcs.2019.40.1.69
- Li, P. L., Chen, G. J., Zhang, Y., Li, W., Fan, L., and Tian, F. (2018). *Society of China Analysis and Forecast (2019)*. Beijing: Social Sciences Academic Press.
- Lim, S., and Tai, K. (2014). Family incivility and job performance: A moderated mediation model of psychological distress and core self-evaluation. *J. Appl. Psychol.* 99, 351–359. doi: 10.1037/a0034486
- Loey, N. E., Oggel, A., Goemanne, A. S., Braem, L., Vanbrabant, L., and Geenen, R. (2014). Cognitive emotion regulation strategies and neuroticism in relation to depressive symptoms following burn injury: A longitudinal study with a 2-year follow-up. *J. Behav. Med.* 37, 839–848. doi: 10.1007/s10865-013-9545-2
- Lopez, E. M. (1995). Challenges and resources of Mexican American students within the family, peer group, and university: Age and gender patterns. *Hisp. J. Behav. Sci.* 17, 499–508. doi: 10.1177/07399863950174006
- Lovibond, P. F., and Lovibond, S. H. (1995). The structure of negative emotional states: Comparison of the depression anxiety stress scales (DASS) with the beck depression and anxiety inventories. *Behav. Res. Ther.* 33, 335–345. doi: 10.1016/0005-7967(94)00075-U
- Low, S., and Espelage, D. (2013). Differentiating cyber bullying perpetration from non-physical bullying: Commonalities across race, individual, and family predictors. *Psychol. Violence* 3, 39–52. doi: 10.1037/a0030308
- Magal, N., Hendler, T., and Admon, R. (2021). Is neuroticism really bad for you? Dynamics in personality and limbic reactivity prior to, during and following

- reallife combat stress. Neurobiol. Stress 15:100361. doi: 10.1016/j.ynstr.2021.100361
- Maria, T., Aboobaker, N., and Devi, N. U. (2021). Family incivility, burnout and job satisfaction: Examining the mediation effect. *Benchmarking Int. J.* 28, 2110–2129. doi: 10.1108/BIJ-10-2020-0534
- Maria, T., and Devi, N. U. (2020). Family incivility and entrepreneurial success of MSMEs: Moderating role of psychological capital. *S. Asian J. Mark. Manag. Res.* 10, 35–45. doi: 10.5958/2249-877X.2020.00069.7
- Mccrae, R. R., and Costa, P. T. (1987). Validation of the five-factor model of personality across instruments and observers. *J. Pers. Soc. Psychol.* 52, 81–90. doi: 10.1037/0022-3514.52.1.81
- Metcalfe, J., and Mischel, W. (1999). A hot/cool-system analysis of delay of gratification: Dynamics of willpower. *Psychol. Rev.* 106, 3–19. doi: 10.1037/0033-295X.106.1.3
- Miceli, S., Cardaci, M., Scrima, F., and Caci, B. (2021). Time perspective and Facebook addiction: The moderating role of neuroticism. *Curr. Psychol.* doi: 10.1007/s12144-021-01355-w
- Mineka, S., Williams, A. L., Wolitzky-Taylor, K., Vrshek-Schallhorn, S., and Zinbarg, R. E. (2020). Five-year prospective neuroticism-stress effects on major depressive episodes: Primarily additive effects of the general neuroticism factor and stress. *J. Abnorm. Psychol.* 129, 646–657. doi: 10.1037/abn0000530
- Muris, P., Roelofs, J., Rassin, E., Franken, I., and Mayer, B. (2005). Mediating effects of rumination and worry on the links between neuroticism, anxiety and depression. *Pers. Individ. Differ.* 39, 1105–1111. doi: 10.1016/j.paid.2005.04.005
- Naeem, M., Weng, Q. D., and Ali, A. (2020). Linking family incivility to workplace incivility: Mediating role of negative emotions and moderating role of self-efficacy for emotional regulation. *Asian. J. Soc. Psychol.* 23, 69–81. doi: 10.1111/ajsp.12391
- Naylor, P., and Cowie, H. (1999). The effectiveness of peer support systems in challenging school bullying. *J. Adolesc.* 22, 467–479.
- Ng, F., Trauer, T., Dodd, S., Callaly, T., and Berk, M. (2010). The validity of the 21-item version of the depression anxiety stress scales as a routine clinical outcome measure. *Acta Neuropsychiatr.* 19, 304–310. doi: 10.1111/j.1601-5215.2007.00217. x
- Olver, J. M., and Mooradian, T. A. (2003). Personality traits and personal values: A conceptual and empirical integration. *Pers. Individ. Differ.* 35, 109–125. doi: 10.1016/S0191-8869(02)00145-9
- Olweus, D. (1993). *Bullying at school: What we know and what we can do.* Malden, MA: Blackwell Publishing.

- Pabian, S., and Vandebosch, H. (2014). Using the theory of planned behaviour to understand cyberbullying: The importance of beliefs for developing interventions. *Eur. J. Dev. Psychol.* 11, 463-477. doi: 10.1080/17405629.2013.858626
- Patchin, J. W., and Hinduja, S. (2011). Traditional and nontraditional bullying among youth: A test of general strain theory. *Youth Soc.* 43, 727-751. doi: 10.1177/ 0044118X10366951
- Paudel, S., Gautam, H., Adhikari, C., and Yadav, D. K. (2020). Depression, anxiety and stress among the undergraduate students of Pokhara metropolitan. *J. Nepal Health Res. Counc.* 18, 27-34. doi: 10.33314/jnhrc.v18i1.2189
- Paul V, M.T., Aboobaker, N. and N, U.D. (2021), "Family incivility, burnout and job satisfaction: examining the mediation effect", *Benchmarking: An International Journal*, 28 (6), 2110-2129.
- Paul Vincent, M.T., Aboobaker, N. and Devi, U.N. (2022), "From family incivility to satisfaction at work: role of burnout and psychological capital", *Journal of Organizational Effectiveness: People and Performance*, 9 (4), 637-655.
- Paul Vincent, M.T., P.M., N., Jose, G., John, A. and Kuriakose, V. (2023), "Family incivility and workplace bullying: mediating and moderating model of psychological safety, optimism and organization-based self-esteem", *International Journal of Conflict Management*, 34 (2), 234-252.
- Peng, Y., Zhou, H., Zhang, B., Mao, H., Hua, R., and Jiang, H. (2021). Perceived stress and mobile phone addiction among college students during the 2019 coronavirus disease: The mediating roles of rumination and the moderating role of self-control. *Pers. Individ. Differ.* 185:111222. doi: 10.1016/j.paid.2021.111222
- Ren, S., Babalola, M. T., Ogbonnaya, C., Hochwarter, W. A., and Peter, A.-M. (2021). Employee thriving at work: The long reach of family incivility and family support. *J. Organ. Psych.* 43, 17-35. doi: 10.1002/job.2559
- Roberts, S. B., and Kendler, K. S. (1999). Neuroticism and self-esteem as indices of the vulnerability to major depression in women. *Psychol. Med.* 29, 1101-1119. doi: 10.1017/S0033291799008739
- Romero-Abrio, A., Martínez-Ferrer, B., Musitu-Ferrer, D., León-Moreno, C., Villarreal-González, M., and Callejas-Jerónimo, J. (2019). Family communication problems, psychosocial adjustment and cyberbullying. *Int. J. Env. Res. Pub. Health* 16, 2417-2429. doi: 10.3390/ijerph16132417
- Rule, B. G., Dyck, R., and Nesdale, A. R. (1978). Arbitrariness of frustration: Inhibition or instigation effects on aggression. *Eur. J. Soc. Psychol.* 8, 237-244. doi: 10.1002/ejsp.2420080208
- Sarwar, A., Bashir, S., and Khan, A. K. (2019). Spillover of workplace bullying into family incivility: Testing a mediated moderation model in a time-lagged study. *J. Interpers. Violence* 36, 1-26. doi: 10.1177/0886260519847778

- Schneider, T. R. (2004). The role of neuroticism on psychological and physiological stress responses. *J. Exp. Soc. Psychol.* 40, 795–804. doi: 10.1016/j.jesp.2004.04.005
- Schodt, K. B., Quiroz, S. I., Wheeler, B., Hall, D. L., and Silva, Y. N. (2021). Cyberbullying and mental health in adults: The moderating role of social media use and gender. *Front. Psychiatry* 12:1–14. doi: 10.3389/fpsy.2021.674298
- Sliter, M., Sliter, K., and Jex, S. (2011). The employee as a punching bag: The effect of multiple sources of incivility on employee withdrawal behavior and sales performance. *J. Organ. Behav.* 33, 121–139. doi: 10.1002/job.767
- Smith, M. M., Saklofske, D. H., Yan, G., and Sherry, S. B. (2017). Does perfectionism predict depression, anxiety, stress, and life satisfaction after controlling for neuroticism? A study of Canadian and Chinese undergraduates. *J. Individ. Differ.* 38, 63–70. doi: 10.1027/1614-0001/a000223
- Smith, M., and D’Aniello, C. (2021). The effect of parental attachment on risky alcohol use and disordered eating behaviors in college students. *Contemp. Fam. Ther.* 43, 290–297. doi: 10.1007/s10591-021-09573-x
- Suls, J. (2001). “Affect, stress, and personality,” in *Handbook of affect and social cognition*, ed. J. P. Forgas (Mahwah, NJ: Erlbaum), 392–409.
- Sun, J.-W., Xue, J.-M., Bai, H.-Y., Zhang, H.-H., and Lin, P.-Z. (2016). The association between negative life events, neuroticism and aggression in early adulthood. *Pers. Individ. Differ.* 102, 139–144. doi: 10.1016/j.paid.2016.06.066
- Taylor, K. A., Sullivan, T. N., and Kliewer, W. (2013). A longitudinal path analysis of peer victimization, threat appraisals to the self, and aggression, anxiety, and depression among urban African American adolescents. *J. Youth Adolesc.* 42, 178–189. doi: 10.1007/s10964-012-9821-4
- Taylor, S. G., and Kluemper, D. H. (2012). Linking perceptions of role stress and incivility to workplace aggression: The moderating role of personality. *J. Occup. Health Psychol.* 17, 316–329. doi: 10.1037/a0028211
- Valkenburg, P. M., and Peter, J. (2011). Online communication among adolescents: An integrated model of its attraction, opportunities, and risks. *J. Adolesc. Health Care* 48, 121–127. doi: 10.1016/j.jadohealth.2010.08.020
- Wang, M., Dai, X., and Yao, S. (2011). Development of the Chinese big five personality inventory (CBF-PI) III: Psychometric properties of CBF-PI brief version. *Chi. J. Clin. Psychol.* 19, 454–457.
- Wang, X., Wang, K., Huang, K., Wu, X., and Yang, L. (2021). The association between demographic characteristics, personality, and mental health of bus drivers in China: A structural equation model. *Physiol. Behav.* 229:113247. doi: 10.1016/j.physbeh.2020.113247

- Watson, D., Clark, L. A., and Tellegen, A. (1988). Development and validation of brief measures of positive and negative affect: The PANAS scales. *J. Pers. Soc. Psychol.* 54, 1063–1070. doi: 10.1037/0022-3514.54.6.1063
- Wright, S. L., Kacmarski, J. A., Firsick, D. M., Jenkins-Guarnieri, M., and Kimm, A. J. (2020). Family influences on college students' anticipated workfamily conflict, social self-efficacy, and self-esteem. *Career Dev. Q.* 68, 112–128. doi: 10.1002/cdq.12217
- Xu, X. L. (2015). Development of internet bullying scale for college students. *Acad.* 28, 145–146.
- Xu, Y. C., Yang, Y. P., and Wu, D. X. (2013). Mediating effect of trait impulsivity between negative affect and internet overuse in college students. *Chi. J. Clin. Psychol.* 21, 942–945.
- Yang, X. F., Li, X. F., and Hu, P. (2020). Trait procrastination and mobile phone addiction in college students: The mediating role of negative affect. *Chi. J. Clin. Psychol.* 28, 1148–1151. doi: 10.16128/j.cnki.1005-3611.2020.06.014
- Yokotani, K., and Takano, M. (2021). Social contagion of cyberbullying via online perpetrator and victim networks. *Comp. Human Behav.* 119:106719. doi: 10.1016/j.chb.2021.106719
- You, S., and Lim, S. A. (2016). Longitudinal predictors of cyberbullying perpetration: Evidence from Korean middle school students. *Pers. Individ. Differ.* 89, 172–176. doi: 10.1016/j.paid.2015.10.019
- Yudes, C., Rey, L., and Extremera, N. (2021). The moderating effect of emotional intelligence on problematic internet use and cyberbullying perpetration among adolescents: Gender differences. *Psychol. Rep.* doi: 10.1177/00332941211031792
- Zhang, W. X., and Wu, J. F. (1999). Revision of Chinese version of olweus child bullying questionnaire. *Psychol. Dev. Educ.* 2, 8–12. doi: 10.16187/j.cnki.issn1001-4918.1999.02.002

The influence of family incivility on cyberbullying perpetration with the mediating role of negative emotions and neuroticism in students of Isfahan Islamic Azad University (Khorasgan)

Abbas Ghaedamini Harouni^{1*}, Maryam Salehi Farsani², Alireza Jafari Farsani³,
elahe Musharraf Gahfarkh⁴, Somayeh Shah Bandari⁵

Abstract

The purpose of this study was to investigate the impact of family incivility on cyberbullying perpetration through the mediating roles of negative emotions and psychological distress.

This applied research employed a descriptive-correlational design. The population consisted of all students at the Islamic Azad University, Isfahan (Khorasgan) branch, totaling 22,000 individuals. A sample of 384 participants was selected using stratified random sampling based on Cochran's formula. Research instruments included the Family Incivility Scale (Lim & Tai, 2014), the Cyberbullying Perpetration Scale (Curtin et al., 2011), the Negative Emotions Scale (Gong et al., 2010), and the Psychological Distress Scale (Wang et al., 2011). The validity of the questionnaires was assessed based on content, face, and construct validity, and was confirmed after necessary revisions. The reliability of the questionnaires, measured using Cronbach's alpha, was 0.90, 0.90, 0.88, and 0.88, respectively. Data analysis was conducted at both descriptive and inferential levels, including structural equation modeling.

The results indicated that family incivility had a positive impact on cyberbullying perpetration, with a coefficient of 0.55.

Keywords: family incivility, cyberbullying perpetration, negative emotions, psychological distress

¹- PhD in Cultural Management, Department of Cultural Management, Farasan Branch, University of Applied Science and Technology, Chaharmahal and Bakhtiari Province, Iran.
abbasgheadamini2020@gmail.com

²- Bachelor's student of Cultural Management, Department of Cultural Management, Applied Science University, Farsan Center, Chaharmahal and Bakhtiari, Iran

³- Bachelor's student of Cultural Management, Department of Cultural Management, Applied Science University, Farsan Center, Chaharmahal and Bakhtiari, Iran

⁴- Instructor, Department of Management, University of Applied Sciences of Drieno Cultural and Art Center, Chaharmahal and Bakhtiari, Iran

⁵- Instructor, Department of Management, University of Applied Sciences of Farsan Center, Chaharmahal and Bakhtiari, Iran